

شماره پنجم و ششم

شماره دهم - سال شانزدهم ۱۳۷۹

ایستاد  
فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تحقیقی، خبری

ایستاد

فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تحقیقی، خبری

همبستگی

جهاد کبیر قرن، رستاخیز عظیم ملی

قوم گرایی، دشمن وحدت ملی

آواره گان افغان و مسئولیت مجامع بین المللی

ادبیات کهن

سیری در ادب حماسی

شرح بی پیرایه

استرداد استقلال

نگاهی به پیشینه روابط سیاسی - تاریخی افغانستان و پاکستان

تیر و خنجر ته د سیاسی له نظره لنده کتنه

ژن و جاسعه

گفتگو

نقش امنیت در توسعه

در نیستان ادب

شگوفه های ادب

سینما

داستان

و...

فصل در لایحه (کابل)

ما، در حالی هشتاد و یکمین سالروز استرداد استقلال کشور خود  
به تجلیل نشسته ایم که باز هم در میهن ما جنگ استقلال ادامه دارد  
و مردم ما در راه حراست از آن قربانی می دهند.



ہمدلی از ہم زبانانی بہتر است

نہ سہروردی  
نہ خرمی نہ خرمی نہ خرمی

روح ہم خرمی نہ خرمی  
میشد و دید یک سبب  
تو را تو را تو را تو را تو را

بہر کس کہ از صبح من آید

بہر کس کہ از صبح من آید

مر بانا کہ چو لیل است

# کتاب

سید ابوالحسن علی نقی

در سبب دور کردن

MAHAN

Year 1, Vol.5 & 6  
Aug & Sep 2000

Cultural, Political, Social Research & News





سال اول، شماره پنجم و ششم ۱۳۷۹

## ماهنامه میهن

- صاحب امتیاز: مهندس توربالی خیالی
- سردبیر: احمد شاه فرزاد
- مدیر اجرایی: پوهنار عطاءمحمد پویا
- اجرا و تنظیم: ناصر فرزاد
- کامپیوتر و صفحه آرایی: محمد قهیم عینی
- زیر نظر هیات تحریر
- چاپ: شاکری (تلفن ۸۳۱۴۰۶)



• مجله میهن از نظریات، پیشنهادات و آثار عزیزان فرهیخته و خوانندگان عزیز ممنون استقبال می کند، منتظر نظرات و آثار مکتوب و مستقیم شما خوبان هستیم.



- لطفاً مطالب ارسالی را خوانا و روی یک طرف کاغذ بنویسید.
- آرا و عقاید نویسندگان، لزوماً رأی «میهن» نیست.
- مطالب ارسالی باز پس فرستاده نمی شود.
- آدرس: ایران، مشهد، صندوق پستی ۹۱۳۷۵-۳۴۱۸
- تلفن: ۸۱۴۷۸۷ (۰۵۱)

**Maihan**

Monthly

No. 5-6

Iran - Mashhad P.O. Box 91375-3418

سخن آغازین: همبستگی / ۲

یادداشت اداره: / ۴

گزارش ویژه: (مقاومت در تخراب ادامه دارد) / ۷

اندیشه: چه باید کرد؟ / عبدالجی خراسانی / ۱۵ • قوم گرایی دشمن وحدت ملی / ۱۹

• آواره گان افغان و مسئولیت مجامع بین المللی / ۲۱

فرهنگ و اجتماع:

شرح بی پروانه / عبدالغفور آرزو / ۲۵ • ادبیات کهن، ادبیات فلکلوریک / ناصر فرزاد / ۲۷

و ۳۵ • سیری در ادب حماسی / م پویا / ۳۹

فرهنگ و هنر: تاریخچه سینما در جهان و افغانستان / ن. ف. ۴۲ • نگاهی بر هنر

خطاطی / گفتگو با احمد یارک صمدی / ۴۶

فرهنگ و ادب: در نیستان ادب (شعر) / ۴۸

سیاست:

یک خدمتگار مردم /... / ۶۶ استرداد استقلال افغانستان / ۷۰ • متن بیابیه استاد

ربانی / ۷۳ • تأملی بر بیابیه مقام ریاست دولت /... / پرویز اوستا / ۷۵ • مشروعیت

شرط شناسایی دولت ها / نجیب الله نجیب / ۷۷ • ازدهای سرخ /... / فهیم فرند /

۷۸ • نگاهی به پیشینه روابط سیاسی - تاریخی افغانستان و پاکستان / مهندس

توربالی خیالی / ۸۲ • تروریزم را باید در نقطه خنثی نمود / جیمز فلیس / ۸۹ •

پروزی نظامی متضمن موفقیت سیاسی نیست / منصور / ۹۴ • داستان قتل تره کی /

۹۷ • شیر و خنجر ته سیاسی له نظره یوه لنده کتنه / غ. خ. قراهی / ۹۹

فرهنگ و ادب: (داستان)

• درز دیوار / اکرم عثمان / ۱۰۵ • غریبه نویس پیر / علی پیام / ۱۰۸ • ورکه

لار / اکبر کوکر / ۱۱۴ • داش آکل / صادق هدایت / ۱۱۶

تحقیق:

افغانستان پنجاه سال باستان شناسی / رونالد زیل / ۱۲۳ • تأملی بر فراز های

تاریخی / احمد شاه فرزاد / ۱۲۹ • آموزش و توسعه / دکتر جواد اطلاعات / ۱۲۷ •

نقش امیت در توسعه / محمد اکرم عظیمی / ۱۳۴

طنز ها و اندرز ها: / ۱۵۰

زن و جامعه: گفتگو با خاتم دانشیار / ۱۵۲ • سوچ / نادیه امیری / ۱۵۷ •

پر خاشاک در کودکان / تیون رؤفی / ۱۶۰ • برقراری صلح در دوره بشارتاری / ۱۶۲

• حادثه هولناک و نکندهنده / ۱۶۷

تحقیق: • تحریک طلبا یا په بل عبارت ... / مولوی غلام محمد قندهاری / ۱۷۰

گفتگو:

مصاحبه با قوماندان جلدرد خان / ۱۷۴ • مصاحبه با مولانا محمد یعقوب مجددی /

۱۷۶ • مصاحبه با آمر آصف خان / ۱۷۷

خبر و گزارش های خبری: / ۱۷۹

یاد ها و خاطره ها: / ۲۰۱

فرهنگ و اجتماع:

نور معرفت در دیار هجرت / ۲۰۲ • پیک راستان / ۲۰۳

خلاصه مضامین به زبان انگلیسی / ۲۰۷



مطبوعات و روشنگری آن همین قدر بسته کنیم، بهتر خواهد بود به اسل موضوع پرداخت شود.

همه به این امر آنگهی دارند که همبستگی اجتماعی عبارت از قواعد حقوقی حالت بالقول و عینی جامعه بوده؛ یعنی هر کجا زندگی اجتماعی از دوام و قوم بیشتری برخوردار باشد آن جامعه نیز میل بیشتر به وضع قوانین حقوقی خواهد داشت. همچنین همه به این امر واقفند که پایه‌های و بنیان‌های اجتماعی خود ناشی از افزایش روابط میان افراد یک جامعه می‌باشد که این افراد از یک سازمان بندی مشکل تبعیت می‌کنند. وقتی که جامعه به مثابه موجود زنده عمل می‌کند همه افراد آن در خدمت کلیتی باشند که بقای سیستم را تداوم می‌بخشد.

چراکه در جامعه، باید یک نیروی جامعه را اداره کند. زمانی که گروهی آمدن افراد یا اهداف مشترک نه تنها به نفع آن افراد است، بلکه نفس با هم بودن نیز لذت بخش بوده و افراد جامعه را از هم گسیختگی به هم پیوستگی می‌رساند پس از آن که جامعه به یک پارچگی و انسجام رسید، ملت یگانه، برپا شد. و این ملت حاکم بر سرزمین خود خواهد بود، و آن زمان است که انسان به مفهوم قرار داد اجتماعی عمیق پی برده و به خاطر لذت منافع آن، بار تحمیل فشارهای اجتماعی را قبول خواهد کرد. و بدین روال سلامت جامعه منوط به میزان درجه همبستگی اجتماعی خواهد بود. لذا همبستگی اجتماعی، می‌تواند باعث، سلامت و یک پارچگی گروه را تعیین کند. هر قدر و در هر جامعه‌ای که همبستگی نیروی تر باشد، افراد را به سوی هم شامل تر کرده و میزان روابط متقابل میان آنان افزوده می‌شود و عکس هر چه میزان همبستگی کند حالت از روابط میان افراد

## همبستگی

سر به هم آورده دیدم برگ های غنچه را  
اجتماع دوستان. یک دلم آمد پیاده

در یک جامعه ای به هم آن زده و از هم گسیخته، بیش از همه چیز باید از همبستگی، داد سخن زد؛ سخن که چسبی، باید در راه و سبیل به آن گام های عملی برداشت. زیرا که در جامعه بشری، همچنین در جوامعی، همچو میهن ما، آن هم پس از یک جنگ طولانی برای رسیدن به یک ملت یگانه، بدون همبستگی امکان ناپذیر خواهد بود. برای دستیابی به چنین هدفی، پیش از همه مطبوعات رسالت مهمی بدوش دارد؛ گرچه گهگاهی در مطبوعات کشور ما سخن از وحدت ملی، همبستگی به بیان می‌آید، که خیلی کم رنگ و در تناقض به نظر می‌رسد. لذا می‌توان گفت مطبوعات نتوانسته است رسالت خود را آنچنان که باید و شاید از آن است در این راستا عملی سازد و...



در هر جامعه ای، هرگاه افراد آن جامعه احساس امنیت نکنند، دچار اضطراب و دلهره و هیجان شده و در نهایت بیمار و مریض می گردد. برای داشتن جامعه ای سالم، طبیعتاً به امنیت نیاز است و در جامعه ای از هم گسیخته و پراکنده جایی برای امنیت باقی نمی ماند، لذا یازهم همبستگی چاره ساز یک جامعه سالم خواهد بود. تجربیات چندین ساله در میهن ما به اثبات رسانده که یگانه راه رسیدن به یک کشور متحد، قانون مدار و پناهنده، همبستگی میان همه اقوام و یا بهتر بگوییم همگی افراد کشور می باشد. تا بتوان کشور یک پارچه و مردمی خوشبخت داشت. تا بتوان با خود آگاهی از منافع ملی، استقلال سیاسی میهن خود دفاع و به آن دست یافت. تا بتوان با گردن برافراشته در کنار ملل دیگر، در جغرافیای کشور خود، در راه توسعه کشور، همدل و همصدا گام های وسیعی برداشت. و این امر وقتی ممکن خواهد بود. که با تزکیه نفس و «جهاد اکبر» بدور از قدرت طلبی به خاطر رهایی مردم و میهن، با همبستگی حرکتی نو آغاز نمود و صفحه جدیدی در تاریخ کشور گشود.

جامعه شناسان معتقدند که جامعه ایده آل دارای «انسجام» است و در نهایت به ثبات می رسد و در این مرحله «همبستگی» یا «پیوستگی» در کلیه سطوح جامعه دیده می شود. و حتی وقتی که جامعه به چنین مرحله ای رسید، یعنی به همبستگی دست یافت می بایست برای حفظ آن کوشا بود. چون دشمن در طول تاریخ نخست در بین مردم ایجاد تفرقه کرده و سپس ضربه را وارد نموده است. بنابراین هر قدر وجدان جمعی و ارزش های جمعی، معقولیت گرا بوده باشد و در روابط بین افراد جامعه بیشتر احساس گردد، همانقدر افراد بیشتری به هم پیوند می خورند. و این امر همبستگی و انسجام کاملتری را سبب می شود. چون شالوده نظام اجتماعی بر اساس نیاز های جمعی شکل گرفته است. و این جاست که آرامش و حفظ نظم رخ می نماید و جامعه به مرحله آخر انسجام واقعی و ثبات می رسد که این مرحله نیز از طریق «همبستگی اجتماعی» به توبه خود، آگاهی جمعی را تحکیم می بخشد.

با توجه به نکات فوق، چه راهی باید در پیش گرفت؟ باید بازهم به تضاد ها دامن زد، یا این که راهی دیگر برگزید و آن هم راهی بهتر از همبستگی پیش رو نخواهد بود، راهی که دیگران آن

را طی کرده، به نظم اجتماعی رسیده و در نهایت به انسجام اجتماعی. و اما، در جامعه ما که جنگ های چندین ساله، مردم را پارچه پارچه کرده، شیرازه سالم اجتماعی - قومی، خانوادگی و سلامت دینی - مذهبی جامعه افغان را پاشان ساخته است.

احساس قومی - قبیله یی متحظ و عجین با تحجر مذهبی و ارائه تفکر ناسالم از دین که از سوی تحمیل کنندگان جنگ در منطقه و سوداگران فقر و بدبختی، نفاق و سیاهی در جامعه صمیمی افغانستان تزریق و تحریک شده ایجاب می کند، تا فرد فرد جامعه ما احساس مسئولیت کرده و در راه ادای تکلیف شرعی و میهنی خویش دست به دست هم دهند و در مسیر همبستگی حرکت جدی ای را شروع نمایند. نگذارند پیش از این مردم سرزمین ما طرق مصیبت باشند، آواره و سرگردان باشند، تحقیر و اهانت گردند. شاید تجربیات چند سال اخیر کافی بوده باشد که نمی توان بدون اتحاد و همبستگی راهی به سوی آینده روشن و نوید بخش برای مردم و میهن جستجو نمود.

تجربیات و اشتباهات گذشته نه چندان دور نشان داده که همه رنجها و مصیبت ها در جامعه ما، ریشه در ایجاد تفرقه و شکاف در بین نیروهای مردمی بوده است. که باید از تکرار آن به هر نحوی که شده ایا ورزید. یگانه راهی که فرا راه جامعه و میهن است همان همبستگی اجتماعی بوده تا گام به گام، با گذار از این مرحله تاریخی به سوی یک جامعه «مدنی» نزدیکتر شد. آیا این یک رویاست و یا یک واقعیت تاریخی؟ مگر نه اینکه تاریخ یک جامعه خواه نا خواه تکامل می کند؛ این مراحل یاد شده را پشت سر می گذارد و چرخ های آن از حرکت باز نمی ایستند. پس بیایید، با همبستگی، برای نجات جامعه و سرزمین خویش با دست های پرتوان خود، این چرخ ها را باید سریع تر به حرکت درآورد تا باشد خود را از سایر ملل از این بیشتر به عقب نیاندازیم.

مردم







ای پیک راسخ، خبر سرو ما بگو  
احوال گل به بلبل دستا بگو!

براین فقیر نامه آن محتشم بخوان  
با یار آشنا سخن آشنا بگو!

توبیتی و ملی بزرگی را بر دوش «صاحبان» نشویه ها گذاشته است، این دین انسانی و ملی در سرخط کار این قشر ممتاز و متمهد باید از اولویت شمرده شود.

عشق که از مرزا عبدالقادر بیدل، سوزی که از «خلیلی» اشکی که از چشم «خیام» فرو ریخته و ناله ای که از گلو «مولوی» برخاسته همه بخاطر اشاعه اخلاق، ادب، معرفت و دانش، پیداری افکار و اصول و وصلت آدم ها بوده است.

انتشار «میهن» را در دنیای بزرگ ادب و دانش و خانواده بزرگ مطبوعات و زحمات و دلسوزی این هموطنان گرامی را به قبال لیسک گرفته، میخوام در عمر خود استقلال داشته باشد.

در دنیا، نوری گرمتر و جاودانی تر از پرو راستی و حقیقت نیست. چه کسی از شمع بدش میاید و با روشنی بی منت آن دشمنی میکند؟ عقیده راسخ اندیشمندان گرام است که: «اشک ریزی های شمع پروانگانی را هم بدتال خود خواهد کشید».

مشاقان صلح و آرامش، مردم سلحشور و با دیانت و آزاده قلب آسیا در درازی تاریخ خود دائماً «صداقت» را سرشق روزگار خود قرار داده اند و این صداقت و صفا در تعهدات و تمامی رسم و آیین و قضاوت های شان عملاً هویدا است. این مردم بعد از این، تیرنگ سازان و عوامل استعمار جهانی را خوب شناخته اند، دیگر «خسوت» و پول آنها و آن «صداقت ملی» خود شان باعث ساده اندیشی شان نخواهد شد.

«میهن» در راستای کار فرهنگی خود این دو شیوه را به فرزندان پابرهنگه و مردم دلاور کشور، روشن و همه جانبه توضیح بدهد تا ناخودآگاه به دام این و آن گیر نمانند. دیگر بعد از این از صداقت شان سوء استفاده نشود زیرا ملت ما شعار خوبی دارند: «آزموده» را آزمودن خطاست».

ادراکات و افکار انسان توضیح دهنده شرایط حیاتی افراد نیستند، بلکه برعکس شرایط حیاتی افراد توضیح دهنده ادراکات و افکار انسان میباشد.

خوانندگان «میهن» را باید با چنین ذهن دید و برایشان فکر داد. باید اذهان کرد که این کار ارج گذاری به نیروی فکر و اندیشه مردم است.

همین دیروز بود که کار مجله «میهن» را با امید خدا (ج) و پنهانی آغاز کردیم، به این امید که گامی هر چند کوچک در راه احیا و رشد فرهنگ پر یار ملی و میهنی مان برداشته باشیم. ولی امروز که شماره پنجم «میهن» را خدمت شما هموطنان بزرگوار و متعهد تقدیم می کنیم، دیگر تنها نیستیم، چرا که شما خویان را بطور عینی در کنار خود می بینیم و یاری شما را هر لحظه بیشتر دریافت می داریم، که این صفت و تعهد والا و مقدس را برای خود به قبال لیسک می گیریم و به شما بزرگواران هم همین تبریک عرض می کنیم که به تدای نیکی یافاصله لیسک می گوید و دست یاری تان را خالصانه در اختیار آن می گذارید.

در طول چند ماهی که کار مجله میهن آغاز شده، ما با حجم عظیمی از نامه ها، فکس ها، تلفن ها و دیدار های حضوری هموطنان مواجه شدیم، که دست اندرکاران مجله را با تلفظ و ابراز احساسات پاکشان، پاک شرمند کرده اند، امید که ما با تلاش خود برای بهتر اوانه دادن کار های فرهنگی مان خدمت شما مخاطبان گرامی، بتوانیم ذره ای از این همه محبت را جبران کنیم.

فرهیخته گرامی جناب ژنرال عظیمی (مشهد)

سلام، برادر گرامی نامه محبت آمیز شما را دریافت داشتیم، از حسن نظر تان نسبت به مجله یک دنیا تشکر، امید که ما را در این راه مقدس، رهنما و یاور باشید.

مرهون لطف تان



با پوزش و طلب بخشش از فرهیخته گرامی آقای آقای «صارم» که در شماره قبل مجله نامه ایشان در حین صفحه آرایی جایجا شده بود، اینک، ضمن تشکر از حسن نیت شان نسبت به مجله «میهن» نامه پربار شان را در پی می آوریم!

به مجله وزین میهن

چشمداشت ما از «میهن»

«برای آن که کاری امکان پذیر گردد دیدگان دیگری لازم است» دیدگانی نو» (بونگ)

از آغاز که رهبری افکار عمومی بر عهده صاحبان قلم و نویسندگان بوده و وظیفه روزنامه نگاری مسئولیت های اجتماعی -